

معرفی و سبک‌شناسی نسخه خطی مجمع‌الانشای حیدر بن ابوالقاسم ایواوغلی

اسلام قادری پور، علی جهانشاهی افشار*، نجمه حسینی سروری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

سال نوزدهم، شماره پنجم، مرداد ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۳، صص ۸۴-۶۵

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8251>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: معرفی و پژوهش در نسخه‌های خطی و شناساندن آنها به سایر علاقمندان همواره یکی از اهداف اصلی پژوهشگران حوزه علوم انسانی بوده است؛ نسخ خطی هم‌چون گنجینه‌ای ناشناخته‌اند که می‌توان با بررسی این نسخ از آنها استفاده‌های فراوان برد.

یکی از این نسخه‌های خطی، مجمع‌الانشاء اثر حیدر بن ابوالقاسم ایواوغلی است که در بردارنده مجموعه‌ای از نامه‌ها و مکاتبات مربوط به دوره سلجوقی و صفوی است؛ معرفی اجمالی این نسخه و بررسی نامه‌ها و مکتوبات آن از نظر ساختار، محتوا و تحلیل سبک‌شناسی هدف این پژوهش است.

روش‌ها: داده‌های این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است.

یافته‌ها: این نسخه خطی، که توسط حیدر بن ابوالقاسم ایواوغلی در دوره صفویه گردآوری شده است، حاوی نامه‌ها و مکاتبات و فرمانهای برخی از شاهان سلجوقی و بسیاری از شاهان دوره صفوی است؛ حیدر بن ایواوغلی این نامه‌ها و مکاتبات در دو بخش تهیه و تنظیم کرده است؛ بخش اول، دربردارنده مکاتبات و فرمان‌های شاهان سلجوقی است و بخش دوم به مکاتبات و فرمانهای پادشاهان صفوی پرداخته است.

نگارش این کتاب به نثر مصنوع است و این اثر هم مانند سایر آثار که در دوره صفوی به نگارش در آمده است، نثری است پر از آرایه‌ها لفظی و صنایع مختلفی بدیعی و بیانی و همچنین نکات ارزشمند ادبی فراوانی در آن وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نسخه خطی مجمع‌الانشاء یکی از نمونه‌های ارزشمند نثر مصنوع فارسی است که توسط فردی به نام حیدر بن ابوالقاسم ایواوغلی تألیف شده است. مطالب این نسخه در دو بخش طبقه‌بندی شده‌اند؛ نخست مراسلات و مکاتبات و فرمانی از دوره سلجوقی تا دوره صفوی و دیگر مکاتبات و مراسلات سلاطین صفوی تا دوره شاه عباس دوم صفوی است. ساختار بیشتر نامه‌ها شبیه و نزدیک به یکدیگر است. این نسخه دارای نثری مصنوع است، نثری که در دوره صفوی رایج بوده است و درواقع ادامه‌دهنده نثر در دوره تیموری است.

از مهمترین ویژگیهای این متن اطناب و اسهاب و به‌کار بردن عبارات و جملات بسیار طولانی است، از جمله می‌توان از به‌کار بردن القاب و صفات پرشمار برای یک نفر مخصوصاً پادشاه اشاره کرد؛ به‌نحوی که در بسیاری از نامه‌ها این القاب و عبارات عیناً تکرار شده است. از ویژگیهای ادبی این نسخه می‌توان به آرایه‌هایی چون سجع، جناس، ترادف، مراعات نظیر، تشبیه، استعاره، تلمیح و سایر صنایع ادبی اشاره کرد و گاهی اوقات نویسنده از آیات و احادیث و حتی ابیات فارسی برای اظهار فضل و دانش هم بهره گرفته است که نشان‌دهنده تسلط بالای نویسنده بر علوم و فنون زمان خود است.

تاریخ دریافت: ۲۵ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۶ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، مجمع‌الانشاء حیدر بن ابوالقاسم ایواوغلی، ترسل، تصحیح، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

a.j.afshar@uk.ac.ir

(۹۸ ۲۱) ☎



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction and stylistics of the manuscript of Majma' al-Anshai by Haydar ibn Abul-Qasim Aywaughli

I. Ghaderipour, A. Jahanshahi Afshar*, N. Hosseini Sarvari

Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 March 2026

Reviewed: 15 April 2026

Revised: 30 April 2026

Accepted: 17 June 2026

KEYWORDS

Manuscript, Majma' al-Ansha' of Haydar ibn

Abul-Qasim Aywaughly, translation, correction, stylistics

*Corresponding Author

✉ a.j.afshar@uk.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The introduction and study of manuscripts and making them known to other scholars and enthusiasts have always been among the primary goals of researchers in the field of humanities. Manuscripts are like undiscovered treasures whose examination can provide numerous benefits and insights. One such manuscript is *Majma' al-Inshā'* by Haydar ibn Abolqasem Eyvaoghli, which contains a collection of letters and correspondences related to the Seljuk and Safavid periods. The aim of this study is to provide a brief introduction to this manuscript and to examine its letters and writings in terms of structure, content, and stylistic analysis.

METHODOLOGY: The data for this research were collected through library-based methods, and the study adopts a descriptive-analytical approach.

Findings: This manuscript, compiled by Haydar ibn Abolqasem Eyvaoghli during the Safavid era, contains letters, correspondences, and decrees issued by several Seljuk rulers as well as many Safavid kings. Eyvaoghli organized these documents into two sections: the first section includes the correspondences and decrees of Seljuk rulers, while the second section is devoted to the letters and royal commands of Safavid monarchs.

FINDINGS: Findings: This manuscript, compiled by Haidar ibn Abul-Qasim Aywa-oghly during the Safavid period, contains letters, correspondence, and decrees of some Seljuk kings and many kings of the Safavid period; Haidar ibn Aywa-oghly prepared and organized these letters and correspondence in two parts; the first part contains the correspondence and decrees of the Seljuk kings, and the second part deals with the correspondence and decrees of the Safavid kings.

The writing of this book is in fabricated prose, and this work, like other works written during the Safavid period, is prose full of verbal devices and various creative and expressive techniques, as well as many valuable literary points

CONCLUSION: Conclusion: The manuscript *Majma' al-Inshā'* is considered one of the valuable examples of ornate Persian prose, authored by Haydar ibn Abolqasem Eyvaoghli. The contents of the manuscript are classified into two sections: first, letters, correspondences, and decrees from the Seljuk to the Safavid period; and second, the correspondences and communications of Safavid rulers up to the reign of Shah Abbas II. The structure of most letters is similar and closely related.

This manuscript is written in ornate prose, a style that was widespread during the Safavid era and in fact continued the prose tradition of the Timurid period. Among the most important features of the text are verbosity and prolixity, as well as the use of extremely long phrases and sentences. For example, the repeated use of numerous titles and epithets for a single individual—especially the king—can be observed, to the extent that in many letters these titles and expressions are repeated verbatim.

The literary characteristics of this manuscript include devices such as rhyme (*saj'*), paronomasia (*jinās*), synonymy, semantic parallelism, simile, metaphor, allusion, and other rhetorical figures. At times, the author also employs Quranic verses, hadiths, and even Persian poetry to demonstrate his knowledge and eloquence, reflecting his mastery of the sciences and literary arts of his time.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8251>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 0

مقدمه:

آثار مکتوبی که از گذشته به جای مانده‌اند از نظر فرهنگی، ادبی و هنری برای نسل امروز اهمیت به‌سزایی دارند، مطالعه و جستجو در این آثار همواره برای مردم هر کشوری بسیار ارزشمند است؛ زیرا همچون گنجینه‌ای گرانبها و میراثی باارزش هستند که برای دیگران به ارث رسیده‌اند: «بدون تردید، یکی از راههای رسیدن به تکامل و پیشرفت در هر جامعه در گرو شناخت و آگاهی از پیشینه فرهنگی آن جامعه است و این مهم جز با بررسی، بازخوانی و تصحیح آثار گذشتگان که تجارب و اطلاعات خود را به رایگان در نسخ خطی برای ما به ودیعه گذاشته‌اند، امکان پذیر نیست» (زمانی و هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۴۰۸). از جمله این موارد، نسخ خطی هستند که همواره به عنوان بخشی از سند هویت ملی ایرانیان شناخته شده‌اند، بسیاری از این آثار هنوز به شکل دست‌نویس و نسخه خطی و یا میکروفیلم در گوشه کتابخانه‌ها به حال خود رها شده‌اند؛ بدون اینکه کسی از آنها استفاده‌ای کند و یا حتی آنها را بشناسد؛ به همین دلیل ضروری است که محققان با یافتن چنین آثار گرانبها و ارزشمندی و در معرفی و تصحیح آنها سهمی در انتقال فرهنگ و علوم آن آثار به نسل حاضر داشته باشند. از جمله این آثار، نسخه خطی «مجمع‌الانشاء» اثر حیدر ابن ابوالقاسم ایواوغلی است؛ اگر چه او در زمان صفویه زندگی می‌کرده است، اما در این اثر علاوه بر مکاتبات و مراسلات پادشاهان صفوی به ثبت برخی نامه‌های شاهان گذشته از دوره سلجوقی به بعد نیز پرداخته است.

این اثر که تقریباً سراسر آن دربردارنده مکاتبات و مراسلات مختل از عریضه تا فتح‌نامه، از صلح‌نامه تا منشور و حکم حکومتی است، بسیار ارزشمند است؛ زیرا از طرفی پر از نکات ادبی، بلاغی، فکری و فرهنگی است و از سوی دیگر، انعکاس دهنده افکار حاکم و اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره مربوط می‌باشد و یقیناً مطالعه چنین آثاری ضمن آشنانمودن ما با تحولات فکری نویسندگان آنها، میتواند همچون چراغی برای روشنایی راه نسل معاصر و آینده به کار رود؛ از این رو، لازم است که برای تصحیح و تنقیح این اثر و ارائه صورتی مطلوب و قابل استفاده برای خوانندگان و علاقه‌مندان اقدام شود.

ضرورت و هدف پژوهش: اهمیت و ضرورت تصحیح نسخ خطی که سند هویت ملی ایرانیان است بر کسی پوشیده نیست. از طریق تصحیح و انتشار این آثار میتوان به نوآوری و تحولات فکری گذشتگان آگاهی پیدا کرد. هر چند بسیاری از آثار گذشتگان به کوشش استادان و محققان به شیوه علمی و انتقادی تصحیح‌اند؛ اما هنوز مجموعه‌هایی از آثار قدما را می‌شناسیم که به‌صورت دست‌نویس در کتابخانه‌ها محفوظ مانده و نیازمند تصحیح و معرفی به جامعه فرهنگی می‌باشند.

در این پژوهش سعی شده است که ابتدا به معرفی اجمالی نسخه خطی مجمع‌الانشاء اثر حیدر بن ایواوغلی بپردازیم و سپس به بررسی سبک‌شناسی این اثر بپردازیم و در سه محور ادبی، زبانی و فکری متن مورد نظر را بررسی کنیم و چون این اثر از مجموعه‌ای از نامه‌ها است به بررسی ساختاری نامه‌ها بپردازیم و در نهایت هدف اصلی و نهایی این پژوهش این است که تا با تصحیح این اثر آن را به جامعه فرهنگی تقدیم کند.

پیشینه پژوهش: طبق بررسیهای انجام شده، تنها محمود خامچی در مقاله‌ای تحت عنوان «معرفی مجمع» که صفحات ۱۸-۲۲ شماره ۶۱ فصل نامه گنجینه اسناد که در بهار ۱۳۸۵ چاپ شد، به معرفی این نسخه پرداخته و مواردی چون نام نویسنده، نام کتاب، تاریخ نگارش و کلیاتی از محتوای این اثر، شامل تعداد فصلها و تعداد نامه‌ها را ذکر کرده است. به جز این مورد، تاکنون پژوهشی در مورد این نسخه انجام نشده است و نویسنده این پژوهش

سعی دارد تا به بررسی سبک‌شناسی این اثر بپردازد و همچنین با مقابلهٔ نسخ موجود از این اثر، متنی منقح به خوانندگان ارائه دهد.

روش پژوهش: داده‌های گردآوری شده در این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای جمع شده‌اند و به روش توصیف-تحلیلی جمع‌آوری و پردازش شده‌اند. بخش آغازین آن، شامل مقدمه، معرفی نویسنده و شرح احوال او و نیز شرح تحولات انشا و ترسل و معرفی مختصات تاریخی و ادبی روزگار مؤلف است که به صورت توصیفی-تحلیلی به بررسی و ارائهٔ اطلاعات پرداخته می‌شود.

بحث و بررسی

معرفی اثر و مؤلف

آثار فارسی زیادی وجود دارد که به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه باقی مانده‌اند؛ احیای این متون ارزشمند راهی برای شناخت آثار و نوشته‌های نویسندگان دهه‌های پیشین است. احیای متون، درحقیقت، گنج‌یابی و احیای فرهنگ است؛ «پویایی فرهنگ مدیون جستجو و تفحص مستمر پژوهشگران و اندیشمندان در کشف و نشر موارث علمی است و کار پراج، دقیق و حساس تصحیح متون کلاسیک از ضروری‌ترین مسائل فرهنگی جامعهٔ ما در وضعیت کنونی است» (نجیب مایل هروی، ۱۳۷۰، ص ۲). در این پژوهش سعی داریم که یکی از این نسخ خطی را معرفی کنیم: نسخهٔ خطی مجمع‌الانشاء اثر حیدر بن ابوالقاسم ایواوغلی.

نسخ مجمع‌الانشاء

نسخه‌هایی که از این اثر به دست آمده و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، به شرح ذیل می‌باشد:

الف) نسخهٔ شمارهٔ ۲۴۳۰۸۹ (تهران، کتابخانهٔ ملی، به شمارهٔ ۱۰۷۱)، به خط نستعلیق، قرن دوازده و در ۲۸۵ برگ [ف ۱۸۹-۲]؛ این نسخه به جز صفحهٔ اول، که برخی از کلمات و خطوط آن ریخته شده است، سایر صفحات کاملاً خواناست. این نسخه به صورت ۵۸۰ فایل عکس تهیه شده است. مشخص کردن عنوان هر نامه به رنگ قرمز از مشخصات بارز این نسخه است.

ب) نسخهٔ شمارهٔ ۲۴۳۰۸۷ (تهران، دانشسرای عالی، کتابخانهٔ میرزا عبدالعظیم خان قریب گرکانی، شمارهٔ ۱۲۳)، به خط نستعلیق و برای دانشگاه تهران فیلمبرداری شده است.

پ) نسخهٔ شمارهٔ ۲۴۳۰۹۱ (دانشگاه تهران، به شمارهٔ ۳۲۲۳ [ف ۱۰۲-۲]؛ این نسخه به صورت ۲۲۷ عکس تهیه شده که هر عکس دو صفحه را در بردارد، خط این نسخه هم نستعلیق است.

ت) نسخهٔ شمارهٔ ۲۴۳۰۸۸ (تهران، کتابخانهٔ مهدی بیانی، به شمارهٔ ۹)، این نسخه به خط شکستهٔ نستعلیق می‌باشد که در سال ۱۰۹۶ نگاشته شده است (بعد از بررسی نسخ مشخص شد که همین نسخه در قالب میکروفیلم برای دانشگاه تهران فیلمبرداری شده است).

حیدر بن ابوالقاسم ایواوغلی

در مقدمهٔ نسخهٔ کتابخانهٔ ملی، مؤلف مجمع‌الانشاء، خود را چنین معرفی کرده است: بنده آحقّر ابن ابوالقاسم حیدر... و همچنین در ذیل عالم آرای عباسی چنین نوشته شده: هم در آن اوقات چون به حکم قافله سالار قضا چلبی بیک ایشیک آقاسی حیدر بیک ایواوغلی ولد ابوالقاسم بیک ایشیک آقاسی باشی (اسکندر بیک ترکمان،

۱۳۱۷، ص ۲۰۰). بنابراین مشخص میشود که مؤلف این مجموعه، حیدر بیک ایواوغلی فرزند ابوالقاسم بیک میباشد و بر اساس باب دوم ذیل عالم آرای عباسی در مورد یکی از خادمان شاه عباس اول به نام ایشیک آقاسی چنین آمده است که: نخست ابوالقاسم بیک به این خدمت ارجمند سربلند شد، دوم چلبی بیک آبدارباشی برادر مشارالیه که بعد از عزل ابوالقاسم بیک مذکور به تفویض ایشیک آقاسی باشی‌گری محترم گردید (اسکندر بیک ترکمان ۱۳۱۷: ص ۲۶۸). طبق این نوشته، معلوم میشود که حیدر بیک ایواوغلی از خادمان شاه عباس اول بوده و همچنین وی بیان میکند که او در زمان شاه عباس اول صفوی جزء سرداران سپاه بوده و در زمان شاه صفی به مقام ایشیک آقاسی حرم علیه مفتخر گردیده است و در سال ۱۰۵۳ بر اثر اختلاف با وزیر شاه عباس دوم از مقامش معزول و دوباره یک سال بعد و بعد از قتل وزیر دوباره به خدمت مشغول شده (ولی قلی ابن داوود، ۱۳۷۱، ص ۲۸۵) و سرانجام وی در سال ۱۰۷۵ در مجلسی مورد غضب شاه‌عباس دوم قرار گرفت و کشته شد.

نام اثر

این اثر را دکتر ریو^۱، در فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا با عنوان جامع مراسلات ثبت کرده است (خامچی، ۱۳۸۵، صص ۱۸-۲۲). همچنین، در مقدمه نسخه‌ای که دکتر مهدی بیانی به کتابخانه ملی هدیه کرده است، همین نام نوشته شده است؛ اما آن گونه که به‌صراحت در آغاز بخش دوم این اثر آمده، نام این مجموعه به‌طور یقین مجمع‌الانشاء است، که دکتر محمود خامچی^۲ در یادداشتی، که به معرفی این نسخه پرداخته، به آن اشاره کرده است و آن عبارت که در آغاز بخش دوم آمده است، این چنین است: اما بعد این مجموعه که جزو ثانی است از مجمع‌الانشاء محتوی است بر مکاتبات غریبه و مراسلات بدیعه... (خامچی، ۱۳۸۵، ص ۱۸)

محتوای اثر

محتوای این اثر در دو قسمت دسته‌بندی شده و جامع این اثر به‌طور مشخص به این مسئله اذعان کرده است؛ قسمت اول این نسخه دربردارنده مکاتبات فرامین و مراسلاتی مربوط به دوره سلجوقی تا دوره صفویه است که حجم این بخش نسبت به بخش دوم کمتر است و حدود ۱۲۵ صفحه از نسخه ۵۶۹ صفحه‌ای را شامل میشود؛ این نامه‌ها و فرامین به‌صورت نامنظم و بدون هیچ توالی یا ترتیب خاصی درج گردیده‌اند و در کل این قسمت حدود ۱۰۱ نامه و فرمان را دربر میگیرد.

بخش دوم این مجموعه، که بسیار منظم و مرتب تنظیم شده است، مربوط به مکاتبات و فرامین دوره صفویه از زمان شاه اسماعیل اول تا دوران شاه عباس دوم است که این نامه‌ها به ترتیب شاهان صفوی و به شرح زیر درج شده‌اند: ۱- مکاتبات زمان شاه اسماعیل اول که هفت نامه هستند. ۲- مکاتبات و فرامین شاه طهماسب که ۶۲ نامه را شامل میشوند. ۳- مکاتبات و فرامین دوره اسماعیل میرزا که هشت نامه‌اند. ۴- مراسلات و فرامین سلطان محمد که سه نامه هستند. ۵- مکاتبات و فرامین دوره شاه عباس اول ۱۶۴ نامه و فرمان را دربر میگیرند. ۶- مکاتبات و فرامین دوره شاه زید که ۶۸ نامه هستند. ۷- مراسلات و فرامین شاه عباس دوم و همانطور که قبلاً گفته شد حیدر بیک در زمان این پادشاه مورد غضب قرار میگیرد و کشته میشود.

^۱ دکتر شارل ریو، شرق شناس، متولد ژنو در لندن سکونت کرد، استاد عربی دانشگاه کمبریج است از جمله آثار او فهرست خطی در موزه بریتانیاست.

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

تاریخ تألیف

طبق کتاب ذیل عالم آرای عباسی، که حیدربیک ایواوغلی در مقدمه مجموعه از وظیفه خود در حرمسرای علیه عالیه و زمان تألیف اثر نوشته است، معلوم میشود حیدربیک ایواوغلی از سال ۱۰۴۷ تا آخر سلطنت شاه صفی در سال ۱۰۵۲ در دربار شاه صفی مقام ایشیک آقاسی باشی حرم علیه را داشته (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۱۷، ص ۱۹۸)، ولی از متن کتاب مشخص میشود که تمام این مجموعه در زمان این شاه تألیف نشده است؛ چون در تقسیم مکاتبات و مراسلات دوران صفوی در عنوان فصل ششم اینگونه نوشته شده: *فصل ششم در مکاتبات و مراسلات زمان نواب خاقان رضوان مکان انار الله برهانه و جعل الجنة مکانه* (نسخه، ص ۴۷۳)، صراحتاً اقرار کرده است که در زمان نگارش این بخش از اثر، شاه صفی فوت کرده است؛ ولی در فصل هفتم که مربوط به نامه‌های دوران شاه عباس دوم است فصل را با عبارت مکاتبات و مراسلات زمان نواب کامیاب سپهر رکاب مالک رقاب اشرف اقدس که انشاء الله تعالی متصل به زمان صاحب الامر گردد؛ شروع شده است؛ بنابراین موارد معلوم میگردد که این مجموعه تا فصل ششم قسمت صفویان، در زمان شاه صفی تألیف گردیده؛ ولی باقی‌مانده فصل ششم و همچنین فصل هفتم و خاتمه آن در زمان شاه عباس دوم صفوی نگاشته شده است.

رسم الخط مجمع الانشاء^۱ در ابتدا، یادآور میشود که مبنا و شواهد درج‌شده در این پژوهش نسخه کتابخانه ملی ایران به شماره ۱۰۷۱ میباشد.

از آنجایی که این اثر مجموعه‌ای واحد و یکپارچه نیست و در واقع از مجموعه‌ای نامه و مکتوب در کنار هم تشکیل شده است؛ نامه‌هایی که کاملاً از یکدیگر مستقل هستند و موضوع و محتوای آنها کاملاً با یکدیگر متفاوت است و هیچ‌گونه ارتباط و پیوستگی با هم ندارند و فقط بر اساس نظر گردآورنده در کنار یکدیگر قرار داده شده‌اند. در بررسی کلی از این اثر میتوان به ویژگیها و مختصات دست یافت که این ویژگیهای به‌دست آمده را میتوان به‌سادگی در سراسر نسخه تسری داد.

در اینجا، به برخی از ویژگیهای سبکی و نوشتاری این نسخه اشاره میشود (لازم به ذکر است شواهدی که برای هر مورد وجود دارد آن قدر فراوان هستند که در هر چند سطر به آنها بر میخوریم و لذا به علت کثرت این شواهد ضرورتی به ذکر صفحه نمیشود):

– نگذاشتن سرکش حرف گ در قریب به اتفاق موارد مانند نکردد به جای نگردد، کاو به جای گاو، بزرک به جای بزرگ، گرفتن به جای گرفتن، همکی به جای همگی و...

– پیوسته‌نوشتن حرف «که» به کلمه بعد و همچنین به ضمائر اشاره این و آن؛ مانند آنکه و اینکه و حتی در کلماتی مثل اینجانب و آنجانب.

– پیوسته‌نوشتن حرف «ب» پیشوند و حرف «به» اضافه به کلمه بعد از خود؛ مانند باتفاق، بخدمت، بنظر، بهمه جهتی، بجز، بفراغ و جلوس.

– پیوسته‌نوشتن حرف «می» در آغاز افعال مستمر و اخباری؛ مانند میگردد، میرود، میشود و گاهی هم جدانویشتن این حرف که کمتر به‌نظر میرسد.

– پیوسته‌نوشتن بسیاری از کلمات مرکب که معمولاً جدا نگاشته میشوند؛ مانند فلکجناب، اعلیحضرت، مالکرقاب و عالیجاه.

^۱ این اثر، اکنون توسط نویسنده این مقاله و با راهنمایی دکتر علی جهانشاهی‌افشار در حال تصحیح میباشد.

مطابقت صفت و موصوف طبق قواعد عربی؛ مانند الحاد به مرتبه‌ای رسید که طریقه رومیه شومیه به علانیه اظهار فسق و فجور میکردند و همچون ترکیباتی از قبیل سلسله رفیع، صفات حسنه، سعادت عظمی، دولت کبری و تسلیمات زاکیات.

پیوسته‌نوشتن بسیاری از کلماتی که در حکم فعل و یا بخشی از فعل هستند با نقش قبلی؛ مانند موصوفند، لازمست. مانند سایر دولت خواهان و عظما و معتمدان و صلاح اندیشان سلسله رفیع عثمانیه که به صفات حسنه خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی، موصوفند، لازمست...

در متن نامه‌ها، در بسیاری از موارد از آیات قرآن و یا احادیثی استفاده شده است که معمولاً این موارد بدون حرکت گذاری و اعراب در متن درج گردیده‌اند.

همزه پایانی و همزه میانی معمولاً نوشته میشود؛ مانند امراء، وزراء، مؤتمن و همزه با کرسی الف معمولاً نوشته نمیشود؛ مانند راس، ابا عن الجد، مامل و عظیم الشان.

تنوین نصب که در کلمات عربی گاهی با کرسی الف نوشته میشود در این نسخه بدون نشانه تنوین نوشته شده است؛ مانند ایضاً، أنا فائاً و جلالاً للایاله.

تشدید در عبارات عربی مانند آیات قرآن و احادیث رعایت شده، اما در کلمات فارسی مؤلف چندان اعتنایی به رعایت آن نداشته است؛ مانند المحبت، العز که با تشدید نوشته شدند و کلماتی مثل اتفاق، متوجه و ... بدون تشدید نوشته شده‌اند.

سبک‌شناسی مجمع‌الانشاء

بررسی ویژگیهای سبکی مجمع‌الانشاء

قبل از ورود به مبحث سبک‌شناسی این اثر، بهتر است ابتدا مختصری به وضعیت نثر در دوره صفوی که این اثر در آن دوره نوشته شده است؛ پردازیم. باید توجه داشت همانگونه که قبلاً گفته شد مطالب این اثر مربوط به دو دوره تاریخی میباشد؛ یکی نامه‌ها و مکاتب مربوط به دوره سلجوقی یعنی قرن هفتم به بعد و دیگری نامه‌ها و مکاتب مربوط به پادشاهان صفوی یعنی قرن یازدهم به بعد اگرچه این اثر نامه‌ها و نوشته‌هایی از دو دوره زمانی متفاوت دارد؛ اما باید توجه داشت که نثر و نوع نگارش مکتوبات در این کتاب تقریباً بر یک سیاق است. این نامه‌ها به نثر مصنوع نوشته شده‌اند؛ همان نثری که در دوره صفویه بسیار مرسوم بوده است. سیروس شمیسا نثر این دوره (صفوی) را ادامه نثر دوره تیموری میداند که بیشتر ویژگیهای آن را دربر دارد و این گونه آن را تشریح میکند: نثر با چه تعجیل و شتابی به طرف انحطاط و پستی راه میپوید، ترکیبات و عبارات عربی و خام جای ترکیبات فارسی را گرفته بود، ضرب المثل‌های شیرین فارسی به عبارات تازی مکرر و بی‌روح بدل گردیده، استعمال افعال گوناگون با پیشوندهای متعدد، مطابقت صفت و موصوف به شیوه عربی رسم شده و عبارات را از یک دستی طبیعی انداخته است، سجعهای متوالی، تکلفات بارد، مترادفات پیاپی تکرار و تعارفات و تملق‌ها، آوردن شعرهای سست که غالباً اثر طبع خود مؤلفان است و مانند اینها؛ از همه بدتر شیوع مدح و چاپلوسی نثر این دوره را از رونق انداخته بود (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴). به غیر از آنجا که از نظر زبانی و لغوی این اثر تحت تأثیر مستقیم نثر دوره صفوی است و همچنین چون نسخه مورد بحث ما حاوی نامه و فرامین است به همین دلایل در بیشتر نامه‌ها تعارفات، ترادفات و القاب‌پردازیهایی بسیار زیادی میبینیم که علاوه بر اینکه اثر را از فخامت و جزالت میاندازد آن را دچار نوعی تکرار و حتی در بسیاری از نامه‌ها به کلیشه تبدیل میکند تا جایی که مقدمه بسیاری از نامه‌ها در نامه‌های دیگر عیناً تکرار میشود حتی در نامه‌هایی که از سوی یک فرد صادر شده است و این تکرار القاب و عناوین که

قطعاً با هدف تملق و چاپلوسی همراه بوده، در بیشتر نامه‌ها دیده می‌شود، چیزی که باعث ملال پژوهشگر و خواننده این اثر می‌شود، به‌نحوی که اگر این بخش از نامه‌ها را حذف نماییم، برای ادامه متن آن نامه، مطلب قابل‌توجهی نمی‌ماند.

حال که دانستیم نثر دوره صفوی ادامه دوره تیموری است، بنابراین لازم است که ابتدا نظری گذرا هم به نثر دوره تیموری داشته باشیم. شمیسا، مهم‌ترین مختصات نثر این دوره را در موارد زیر برشمرده است: حرکت به سوی ساده نویسی، رواج تاریخ نویسی، رواج لغات ترکی، تنزل تحقیق و تتبع، درسی‌شدن عرفان و مردمی‌شدن شعر (شمیسا، ۱۳۷۹، صص ۱۹۸-۲۰۰).

به‌طور خلاصه، در اندیشه ادیبان این دوره صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت. در کتب مصنوع و متکلف بیشتر به ظاهرسازی و تصنع پرداختند و همچنین به استعاره‌های دور از ذهن و آوردن سجعهای متوالی و بی‌روح روی آوردند (قاسم‌پور، ۱۴۰۰، ص ۳۹).

از میان مواردی که شمیسا برای نثر در این دوره بیان کرده است و به‌طور واضح در این اثر مشاهده می‌کنیم، زبان ترکی است؛ به‌نحوی که در این اثر چند نامه و مکتوب به این زبان نوشته شده است، اما مهم‌ترین چیزی که نظر دکتر شمیسا را در این دوره در میان این آثار و نوشته‌ها جلب کرده است و در این اثر هم فراوان دیده می‌شود این است که: چیز تازه‌ای که در این اصل میبینیم القاب و عناوین و پرچانگیهایی است که مؤلفین اخیر دوره تیموری در اوایل کتب یا در تشبیب فصول درباره ممدوح معمول میدارند (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۲۰۸).

بعد از بیان مواردی درباره اوضاع و احوال نثر در دوره صفوی مختصری هم به مختصات سبکی این اثر میپردازیم و به‌طور خاص این اثر را در سه محور زبانی، ادبی و فکری بررسی می‌کنیم.

ویژگیهای زبانی: علیرغم اینکه نثر این اثر، نثر مصنوع است اما چون مخاطب آن غالباً افراد خاص هستند؛ این ویژگی باعث نشده است که خواننده، پیام و مفهوم گوینده را از لابه‌لای آرایه‌ها و جملات طولانی درک نکند؛ به‌طوری که اگر این اثر برای افراد عامی نوشته میشد بسیاری از افراد از درک آن عاجز بودند و به مشکل بر-میخوردند؛ بنابراین نثر کتاب تا حد زیادی قابل فهم است.

یکی از شاخصه‌های خاص در زبان فارسی، ترکیب‌سازی است، به نحوی که در زبان فارسی میتوان در بیشتر مواقع به ساخت واژه‌های تازه پرداخت «زبان فارسی، زبان ترکیبی است که در آن میتوان از پیوستن واژه‌های زبان به یکدیگر یا افزودن پیشوندها و پسوندها برای معانی تازه بهره گرفت و بدین‌گونه هزاران واژه تازه با معنی تازه ساخت» (مقرب، ۱۳۵۶، ص ۴۲۲). اگر چه ساخت کلمات جدید در بیشتر زبانها به روشهای متفاوتی امکان دارد اما در فارسی یکی از پرکاربردترین آنها ترکیب‌سازی است. «واژه‌سازی در زبان فارسی عمدتاً مبتنی بر ترکیب است. مراد از ترکیب، فرایندی است که به‌واسطه آن دست کم دو واژه به هم میپیوندند و یک واژه مرکب میسازند» (صباغیان، ۱۴۰۰، ص ۶۲). این ترکیب‌سازیها و به‌کاربردن لغات و کلمات مترادف یکی از مهم‌ترین ویژگیهای زبانی این اثر است مانند: سلطنت پناه و خلافت دستگاه. از دیگر ویژگیهای زبانی این اثر میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

-فراوانی لغات و کلمات عربی اگر چه کلمات عربی فراوانی در این مکتوبات به چشم میخورد اما عمده این لغات همانهایی هستند که در کتب ادبی-مخصوصاً کتب نثر فنی و نثر مصنوع- به‌طور مداوم به کار رفته‌اند و برای مخاطبان آشنا هستند.

-مطابقت صفت و موصوف از نظر مذکر و مؤنث بودن طبق قواعد عربی، مانند سیرت حمیده و عهد سابقه.

به کارگیری کلمات، ترکیبات، اضافات و اصطلاحات عربی به جای کلمات و عبارات متداول فارسی مانند: فرمان حضرت عزت است بر اهل علم که روی بدان آرید که بهتر است و نیکوتر و اندران مسارعت کنید و مشایعت نمایید و خلق عالم به سه گروه شوند یکی عوامند که اهل غفلتند دوم خواصند که اهل کیاستند سوم خاص الخاصند که اهل بصیرتند اما همت اهل غفلت بر خیرات عاجل مقصوره بود چنان پنداشتند که خیر بزرگتر نعیم دنیاست و نعیم دنیا منبع مال و جاه بود لاجرم روی بدین هر دو منبع آوردند و هر دو را قره العین پنداشتند (نسخه، ص ۱۳). طولانی بودن جملات، این ویژگی آن چنان بارز است که گاهی منظور و مفهوم گوینده به سختی و بعد از تأمل فراوان درک میشود.

آوردن کلمات و گاهی ترکیبات مترادف و هم‌معنی؛ مانند در حجر شفقت و جوار رحمت، صدق نیت و خلوص طویت، یقین واثق، اعتقاد صادق و ...

به کاربردن عبارت پردازیهای طولانی و حتی کسل کننده مخصوصاً در مقدمه مکتوبات.

به کاربردن لغات و اصطلاحات ترکی و همچنین نوشتن برخی از نامه‌ها.

تتابع اضافات فراوان مانند: موجب دوام نصرت و ثبات اقدام قدرت.

آوردن آیات قرآنی و احادیث عربی به عنوان بخشی از ساختار جمله فارسی؛ مانند بر مقتضای امر و لا تَذَرُ عَلِيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً صفحه خاک را از شرکت چرک و طغیان و آلايش کفر و عصیان به آب تیغ بُران پاک ساخته‌ایم (نسخه، ص ۱۴۵). بسیاری از این ویژگیها که در بخش رسم الخط به آنها اشاره شد.

ویژگیهای ادبی: همانطور که بیان شد نثر این نسخه، نثری مصنوع است که بارزترین شاخصه این نثر پیچیده-نویسی و دشوارگویی است. به کار بردن انواع آرایه‌های ادبی همچون سجع، جناس، تناسب، تضاد، تشبیه، کنایه و... در سراسر این نسخه موج میزند و همچنین استشهاد به آیات قرآنی، احادیث، امثال و حکم عربی و ابیات فارسی هم در این نسخه وجود دارد چون در قسمت بلاغت، بیان و بدیع در ادامه پرداخته شده است از ذکر این موارد صرف نظر میکنیم.

ویژگیهای فکری: این اثر از مجموعه‌ای نامه‌ها و مکتوبات تشکیل شده است، نامه‌هایی که گاهی هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند، پیدا کردن نگرش فکری مشترک در بین آنها عملاً غیرممکن است؛ اما به‌طور خلاصه مواردی که در این اثر به آنها پرداخته شده است. مجموعه‌ای از نامه‌هایی است که سلاطین به وزرا و حاکمان زیردست خود نوشته‌اند و گاهی پاسخی که به این نامه‌ها داده شده است و گاهی هم مکتوباتی است که بین دو سلطان رد و بدل شده است، موضوع این نامه‌ها هم عمدتاً مسائل سیاسی و به‌طور کلی مسائل درباری است.

بررسی ساختار نامه‌ها

نامه‌ها بر اساس اینکه چه کسی و با چه هدفی آنها را مینوشت، انواع مختلفی دارند؛ از جمله منشور و فرمان، فتح‌نامه، رقع، شکست‌نامه، عهدنامه، سلطانیات، اخوانیات و ... چون بسیاری از نامه‌های گردآوری شده در این اثر از نوع منشور و سلطانیات میباشند مختصری درباره این نوع نامه‌ها، ارکان و ساختار آنها توضیح داده میشود.

الف) منشور: این عنوان معمولاً زمانی به کار میرفت که مکتوب از جانب سلطان یا خلیفه مسلمین توقیع میشد (خطیبی، ۱۳۹۹، ص ۳۶۶). این منشورها ارکان مختلفی به قرار زیر داشتند:

۱- خطبه و مقدمه ۲- ذکر مواقع انعام در حق مخاطب و بیان مرتبت او ۳- بیان اوصاف مناسب درباره مخاطب ۴- وصایا که شامل تکالیف و وظایف مخاطب هم شد. ۵- رکن اصلی مکتوب که در آن وظایف افراد مختلف و صاحبان

مناصب دیوانی و دیگر طبقات مطرح میگردید. ۶- خاتمه منشور که معمولاً با یک جمله دعایی کوتاه همچون *إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَحْدَهُ الْعَزِيزُ وَ...* به اتمام میرسد.

ب) سلطانیات: سلطانیات یا مکاتب سلطانی به منشآت اطلاق میشود که سلاطین به یکدیگر یا به ملوک اطراف مینوشتند (خطیبی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۱). سلطانیات و مکاتب سلطانی معمولاً دارای ساختار و ارکان خاصی بودند که نامه‌ها بر اساس آن ساختار و قالب نوشته میشدند و ارکان نامه در این نوشته‌ها رعایت میگشت این ارکان عبارت بود از:

۱- خطبه و مقدمه نامه: معمولاً با جملات دعایی به شیوه سجع و جناس شروع و پس از آن نوبت به عناوین، القاب و نعوت مرتبط با گیرنده نامه که عمدتاً یا پادشاه و سلطان و یا یکی از بزرگان دیگر است، میرسد و این بخش که معمولاً طولانی و گاهی هم تکراری و کلیشه‌ای بوده است؛ بخش قابل توجهی از مکتوب را در بر میگرفته است.

۲- ذکر نام و عنوان خاص گیرنده نامه: عناوین و نعوت، ترکیباتی بود مشابه با القاب که در قرن ششم و هفتم در انشای مکاتیب رکنی از ارکان اصلی به‌شمار میامد و به شیوه‌ای مبالغه‌آمیز برای تفخیم و بزرگداشت مکتوب الیه قبل از لقب خاص او نوشته میشد. البته این نعوت و عناوین با توجه به تمایز مرتبت و مقام بین کاتب و مخاطب در هر مورد چه از حیث تعداد و چه از نظر کیفیت تلفیق و ترکیب، ضوابط و شرایط مشخص و حتی مدون داشت (خطیبی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۳).

آن طور که محمد تقی بهار در سبک‌شناسی خود میاورد، آوردن القاب و عناوین فراوان از دوره تیموری آغاز شده و به تدریج در میان نویسندگان و مخصوصاً کسانی که نامه‌درباری مینوشتند رواج یافته است؛ وی همچنین مینویسد چیز تازه‌ای که در این عصر (عصر تیموری) مبینیم القاب و عناوین و پرچانگیهایی است که مؤلفین اخیر دوره تیموری در اوایل کتب و یا در تشبیب فصول درباره‌ممدوح معمول میدارند که گاهی دو سه صفحه را باید عبور کرد و از تپه و ماهور مدیحه‌ها، موازنه‌ها، مزدوجات، اسجاع و القاب یاوه و بی اصل باید گذشت تا به زحمت نام کسی را که مقصود نویسنده است و کتاب به نام اوست، به‌دست آورد (بهار، ۱۳۴۹، ص ۲۰۸).

همان‌طور که میدانیم، بعد از تیموریان، نثرها به سوی ساده‌نویسی حرکت کردند و همچنین تاریخ‌نویسی به زبان ساده رواج یافت. دکتر محمد تقی بهار این تغییر را اینگونه بیان میکند: این شیوه، یعنی آوردن القاب عناوین فراوان بر خلاف قاعده و رسم مغول است؛ چرا که از برکت آن قوم فواتح کتب تاریخ که تا حدی مختصر و موجز شده بود؛ اما بار دیگر در عصر خاندان تیمور، مورخان شیوه‌اطناب در مدح و چاپلوسی را زنده کردند و رفته‌رفته از فواتح کتاب به فواتح فصول کشید و در عالم آرای عباسی و دیگر تواریخ صفوی و دوره نادر و غیره این معنی خوب دیده میشود (همان: ص ۲۰۹).

شاید مهمترین نکته‌ای که در هنگام خواندن نامه‌ها و مکتوبات نوشته‌شده در این اثر به چشم میخورد؛ عناوین و القابی است که در این نامه‌ها به کار میرود. دکتر خطیبی در کتاب فن نثر این القاب و عناوین را به بهترین وجه و به‌طور مبسوط طبقه‌بندی کرده است (خطیبی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۵). در اینجا به این تقسیم‌بندی همراه با شواهدی اشاره میشود با این توضیح که شاهد مثالها از نسخه‌مورد پژوهش یعنی مجمع‌الانشاء استخراج شده است.

۱- عناوین و نعوت مفردة که یا با «ی» نسبت به کار رفته‌اند و یا بدون «ی» نسبت؛ مانند *أجل، أقدم، أعظم و...* این نعوت اغلب عربی هستند.

۲- عناوین و نعوت مرکبه که در واقع عبارت بود از ترکیبات اضافی به شیوه القاب؛ این عناوین شکل‌های متفاوتی دارند مانند؛ دو اضافه، سه اضافه وصف، مضاف، جار و مجرور و... مانند کرامت انتساب، معالی مآب، قطب سعادت و...

این القاب متعدد و فراوان عمدتاً مختصاتی دارند که در اینجا به برخی از آنها اشاره میشود:

(الف) اکثر القاب مرکب اضافی و اغلب عربی هستند؛ مانند کرامت انتساب.

(ب) بسامد کاربرد القاب و عناوین احترام‌آمیز در منشآت و مکاتیب سلطانی و رسمی نسبت به مکاتیبی که از رسمیت کمتری برخوردارند، بسیار بالاتر است.

(ج) استفاده نسبتاً کم از القاب و عناوین به زبان فارسی در آغاز این مکتوبات.

(د) القاب معمولاً در آغاز نامه و به میزان بسیار بالا استفاده میشده و عمدتاً به جملات دعایی ختم میشود.

(ه) کیفیت و نحوه القاب و عناوین ارتباط مستقیمی به شغل و منصب مخاطبان نامه ندارد.

(و) عناوین و القاب پر از تعارفات و بر سبیل مبالغه و بزرگداشت است.

۳- رکن اصلی نامه: این بخش از نامه در واقع قسمت عمده نامه و هدف نگارش نامه بود این بخش پس از مقدمه طولانی و ذکر القاب و عناوین و نعوت فراوان آورده میشد که نویسنده هدف و مقصود اصلی خود از نوشتن مکتوب را در آن مطرح میکرد. این قسمت با عباراتی مانند مع هذا، اما، بعد و ... شروع میشود و معمولاً با پیوند خوردن به قسمت انتظارات و توقعات که بخش بعدی ساختار چنین نامه‌هایی است به پایان میرسد.

۴- انتظارات که دربرگیرنده انتظار و توقع نویسنده از مخاطب بود و با کلماتی مانند منتظرم، توقع چنان است و یا متوقعست و شبیه اینها شروع میشد.

۵- خاتمه نامه: نامه معمولاً با ادعیه کوتاه و مختصر به زبان فارسی و یا دعا و عبارتی کوتاه به زبان عربی به پایان میرسد و همچنین نویسنده قبل از دعای پایانی و اتمام نامه از اطناب بیشتر و ابرام زیاده‌تر خودداری مینماید و معمولاً با عباراتی چنین به زیاده‌ای اطناب ارتکاب نمیرود و یا جملاتی مشابه شبیه این مضمون سخن را به پایان میرساند و سپس دعای پایانی نامه ذکر میگردد.

همانطور که گفته شد تعداد زیادی از نامه‌های گردآوری شده در این اثر از نوع سلطانیات میباشند؛ یعنی مکاتیبی که سلاطین به یکدیگر مینوشتند و یا نامه‌هایی که دیگران و مخصوصاً حاکمان و والیان سایر شهرها به سلطان مینوشتند در اینجا لازم است که به نحوه و کیفیت تعبیر از کاتب و مخاطب و نحوه ذکر نام مخاطب مطالبی بیان شود. ذکر نام کاتب در مکتوب نشانه عظمت مقام مکتوب الیه و بزرگداشت وی بوده و متقابلاً نام یا لقب خاص مکتوب الیه در مواردی ذکر میشد که نامه از جانب پادشاهان یا وزیران و امیران خطاب به عمال و کارگزاران ارسال میگشت (خطیبی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۷).

در مکاتیب دیوانی بر حسب مورد برای تعبیر از مخاطب بنا بر مرتبه و مقام از تعابیر خاصی استفاده میشد به این ترتیب در سلطانیات از مخاطب با تعبیراتی مانند آن مجلس آن جناب همایون جانب شریف مجلس رفیع و... یاد میشد و از پادشاهان به حضرت سلطنت، حضرت اعلی، مجلس اعلی، و عناوین مشابه و از وزیران و امیران و ملوک با عناوینی مانند آن جناب، آن مجلس معلی، آن حضرت، جناب عالی جناب دولت مآب، جناب امارت پناه و اگر مخاطب از اصحاب دیوان و یا ارکان دولت بود از عناوینی مانند مجلس عالی، مجلس رفیع، جانب رفیع، مجلس سامی، جناب جلال، آن جانب جناب شریف، آن جانب رفیع، آن جناب کریم، آن دولت و غیره یاد میشد (خطیبی ۱۳۹۰: ۳۴۸)

و گاهی پیش می‌آمد که در یک نامه از چندین عنوان و نعت استفاده میشد که تعداد زیاد این عناوین و نعوت همواره مدنظر کاتب بوده است. در مناشیر و احکام رسمی دیوانی در تمامی نامه‌هایی که از جانب سلطان به وزیران و امیران و ملوک نوشته میشد از ضمیر ما استفاده میشد و البته اگر پادشاهی به سلطانی دیگر نامه مینوشت از عبارتی مانند این دولت، این مخلص، این برادر و... یاد میکرد؛ اما در در نامه‌هایی که به پادشاهان و سلاطین دیگر مینوشتند کاتب خودش را با عباراتی با توجه به مقام و مرتبه‌ای که داشت چنین معرفی میکرد؛ اگر کاتب وزیر یا امیر و یا سپهسالار بود؛ ترکیباتی مثل بنده دولتخواه، کمترین بندگان، این پرستار، این خادم دعاگو و... استفاده میکردند و اگر وزیران و امیران به یکدیگر نامه مینوشتند از خود با تعبیری مثل مخلص دعاگو، این کهنترین، این دوست مخلص، این بنده مخلص و... استفاده میشد (همان: ص ۳۴۹).

همانطور که قبلاً اشاره شد بسیاری از نامه‌های نوشته‌شده در این اثر از نوع سلطانیات میباشند و ساختار از پیش تعیین شده‌ای دارند که به آن ساختار در سطور بالا اشاره شد و ما این ساختار را به خوبی در این نامه‌ها میبینیم و به راحتی میتوانیم ارکان هر نامه را استخراج کنیم و در اینجا برای نمونه به بررسی یک نامه و ساختار آن اشاره میشود:

کتابت قرا یوسف به سلطان محمد مذکور

خطبه و مقدمه نامه: بندگی اعلاحضرت سلطنت پناه کامکار خداوندگار اعظم نامدار معین مومنان و معاون اهل ایمان قاتل الکفره و جامع الفجره شهنشاه بر و بحر صاحب عز و نصر المؤید من عند الله ذکر نام و عنوان خاص گیرنده نامه: الملك الصمد ابونصر سلطان محمد لازال امام عزه و اقباله الی یوم الدین و مابرح وجوده الشریف ناصرًا للمحبین و المخلصین رسانیده همواره و لاجوی و دولتخواه شناسد سعادت ملاقات بر وجه احسن مرزوق باد.

رکن اصلی نامه: بعد از آنکه در این ولا یرلیغ بلیغ ایلخانی از پادشاه هفت کشور شاهرخ بهادر گورکانی خلدت ایام خلافت در رسید که کوره آذربایجان را تسلیم وکلای ایشان کند هر چند از راه اطاعت و انقیاد در آمد، مفید نیفتاد. شنیدیم که لشکر به اینجانب کشید به حوالی قزوین در رسیده است، ما نیز با لشکر خویشتن، خویشتن خود را به دامن کوهسار این دیار قریب ساخته منتظریم که کریم قهار دفع مکاید اشرار چگونه خواهد کرد و غرضش آنکه چون روزگار غدار مساعدت او کند با خیل تاتار به ساحل قسطنطنیه سایه‌بان زده رجعتش از قراغدان به نواحی کفه افتاده و از دست قبحاق به باب الابواب شیروان در آمده و از آنجا به آذربایجان در رسد و چون پرگار با عساکر جفا کردار این مقدار ممالک را احاطه و ضبط کند. أعاذنا الله تعالى و إياکم من نومة الغافلین و نستعید بالله من شرور الشیاطین اما حق سبحانه و تعالی همیشه به تصور باطل ایشان مساعدت روا نخواهد داشت و شاید که به توفیق الله تعالی فرصت مخلصان را دست دهد قال الله تعالى کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله اخبار را اراجیف بسیار است از اکثر رای اعدای بدرای چون فکر فاسد ایشان، بی ثبات و اعتبار، لا صدق فی قولهم لا خیر فی رأسهم و مرهم الله و خذلهم درین باب عمده اکابر العظام خواجه بهرام نخجوانی رزقت سلامه را که از صاحبان رای سدید است به صوب صوابنمای ارسال رفت تا بالمشافهه تقریر حالات کرده به هر وجه که فرمان واجب‌الاذعان صدور کند مأموریم. باقی نماند آنکه نخواهد باقی تو باقی حاکمند.

خاتمه نامه: و الأمر الأعلى. همچنین به شروع چند نامه دیگر اشاره میشود تا بیشتر با شروع این نامه‌ها آشنا شویم. نامه از پادشاه به وزیر خود: جناب والا نساب، متعالی انتساب، وزارت و ایالت پناه، شوکت و عظمت دستگاه، ابهت و نصف انتباه، عالیجاه، اسوه الوزراء العظام، قدوه الامراء الفخام، مدبر الامور الجمهور بالرأی الصائب، متمم مهام

الانام، بالفکر الثاقب، مؤتمن الدولة العلیة العالیة الخاقانیة، معتمد السلطنة البهیة الجلیله السلطانیة، وزیر صافی رای خیراندیش، مشیر آرای مصلحت کیش صدر مکرم مفخم و ... (نسخه، ص ۵۱۷). همچنان این تعارفات ادامه دارد و سرانجام متن نامه پادشاه با عبارت «بعد هذا» شروع میشود هرچند که در ادامه هم نامه پر از عبارت‌پردازیها و لفاظیهای تکراری است؛ همچنین باید این نکته را هم مد نظر داشت که این نامه را پادشاه به وزیر خود نوشته است و در اینجا باید پرسید اصولاً ذکر این القاب و ویژگیها از زبان پادشاه که شخص اول مملکت است برای وزیر خود چه فایده‌ای داشته است و اگر پادشاه یک مملکت درباره وزیر خود چنین القاب و عناوین و صفاتی به کار ببرد؛ خود پادشاه از وزیر و دیگر حاکمان و امرای مملکت که به او نامه مینویسند چه انتظاری باید داشته باشد و تا چه اندازه آنها توان دارند که در نگارش القاب و اوصاف و عبارات، اغراق و قلم‌فرسایی کنند.

نامه از وزیر به پادشاه خود: اعلی حضرت فلک رفعت جمشید فطنت فریدون شوکت دارا درایت کیکاووس کیاست سلطنت مآب جمشید نصاب سعادت انتساب حضرت شاه جم جاه... (نسخه، ص ۳۶۳). نامه از وزیر اعظم به پادشاه خود: اعلی حضرت والا رتبت قمر طلعت عطار فطنت ناهید عشرت جمشید فطرت خورشید اضاءت برجیس افاضت فریدون منش سکندر دانش خداوند کامل شهنشاه عادل جهاندار مقبل شه دادگر... چون بیشتر نامه‌ها یا از جانب پادشاه به وزیر و یا از طرف وزیران و امیران به پادشاه نوشته شده‌اند ساختار بیشتر آنها شبیه به یکدیگر است و در اینجا برای پرهیز از طولانی شدن مطالب از ذکر مثالهای دیگر اجتناب میشود.

نکته مهم و قابل طرحی که در مقدمه و مخصوصاً بخش عناوین و القاب این نامه‌ها به چشم میخورد این است که نویسندگان این نامه‌ها بر دو مطلب تأکید داشته‌اند یکی توجه به مباحث نجوم و طالع‌بینی و مخصوصاً صفات و ویژگیهای هفت فلک و هفت سیاره و ذکر بارزترین صفت هر کدام از این سیاره‌ها که در مثالهای بالا به آن اشاره شد؛ مانند قمر طلعت، عطار فطنت، ناهید عشرت، برجیس افاضت و غیره. نکته دیگر اشاره به شاهان اسطوره‌ای و افسانه‌ای ایران باستان و حتی برخی پادشاهان تاریخی و ذکر خصوصیات و ویژگیهای این شاهان و توجه به اینکه هر کدام از این پادشاهان در کدام صفت مشهور بوده‌اند.

این مطالب به نحوی ماهرانه در این نامه‌ها گنجانده شده است، تا عباراتی که نوشته میشود دارای آرایه‌های لفظی همچون جناس، سجع و موازنه، ترصیع و باشد؛ مانند دارا درایت، کیکاووس کیاست، فریدون شوکت، سکندر منش و الی آخر که این هم نشان از آگاهی نویسنده و آشنایی وی با تاریخ کهن و باستانی ایران است و هم نویسنده را قادر ساخته تا با به کار بردن این صفات و القاب بر اثرگذاری مکتوب خود بیافزاید و مخاطب خود را تا حدی قانع کند تا با درخواست او موافقت و همراهی کند.

بلاغت در مجمع‌الانشاء

معانی: مهم‌ترین شاخصه‌ای که در بررسی این اثر میتوان به آن اشاره کرد که از نظر علم معانی قابل بررسی است؛ اطناب و اسهاب است و در اینجا لازم است که ابتدا نگاهی به این شاخصه نثر در آن دوره بپردازیم.

یکی از پرکاربردترین ویژگیهای نثر در قرن یازدهم و دوازدهم اطناب و اسهاب و یا به عبارتی ساده‌تر، درازگویی است؛ دکتر ذبیح الله صفا در کتاب سبک‌شناسی نثر درباره این دوره و اوضاع نثر آن چنین مینویسد: آنچه بیشتر در شیوه آنها وجود دارد اطناب و افزودن شاخ و برگ بر یک مطلب کوچک است که از راه آوردن واژه‌های مسجع و مترادف و مضاف بر یکدیگر در جمله‌ها و عبارتهای دراز که به یکدیگر عطف میشوند، انجام میشد که این گونه عبارت‌سازیه‌ها در آن روزگار نمونه استادی و مهارت منشیانه بود و بسی از اهل قلم مدتها از دوران آموزندگی خود را در فراگرفتن آن صرف میکردند (صفا، ۱۳۸۸، ص ۴۴۷). در این دوره یعنی عهد تیموری اطناب در بیان مقصود

پراکندگی است، خاصه در مکتوبها و منشورها و کتابهای تاریخی، برخی از نویسندگان عهد برای این درازگویی حد و قیدی نمیشناختند چنانکه موضوع و معنای سخن را در مطاوی کلام گم میکردند و یا خواننده را به چنین دشواری در میانداختند، این امر مخصوصاً در طرح مقدمات بسیار دیده میشود (همان، ص ۴۶۶).

این ویژگی در بیشتر مکاتبات و فرامین درج شده و در این نسخه به وفور نمایان است از جمله در آغاز نامه‌ها مخصوصاً در نامه‌هایی که امیران و حاکمان به پادشاه مینوشتند و ما قبلاً به چند نمونه اشاره کردیم از دیگر ویژگیهای این نسخه اقتباس از آیات قرآن و احادیث است که از مهم‌ترین ویژگیهای متون مصنوع در آن دوره است این آیات و احادیث گاهی به صورت بخشی از جمله فارسی و در واقع کامل‌کننده آن و گاهی به صورت جمله معترضة بودند.

همان‌طور که در بالا اشاره شد یکی از ویژگیهای اصلی و بارز در منشآت دوره تیموری اطناب و اسهاب است که این ویژگی بدون اغراق در سراسر این متن و قریب به اتفاق نامه‌ها و مکاتبات این اثر نسبتاً حجیم دیده میشود در اینجا به برخی مواضع اطناب در ترسلات اشاره میشود مواردی که رعایت آنها باعث شده است که این مکتوبات گاهی طولانی و خسته‌کننده شوند:

۱- ذکر القاب و عناوین که گاه چندین سطر و یا حتی بخش عظیمی از مکتوب را در بر میگیرد (در سطور بالا به نمونه‌هایی اشاره شد).

۲- مترادفات، ترکیبات و عبارت پردازیها که به صورت عطف و پی در پی یکدیگر می‌آیند مانند طریق عدالت و سبیل نصف با طوایف رعایا و صنایف برآیا مسلوک میداشت (نسخه، ص ۱۴۶).

۳- توصیفات و تشبیهات وقایع مناظر و صحنه‌ها که در واقع محل و فرصتی است برای اظهار فضل و هنرنمایی نویسنده مکتوب.

۴- استناد و استشهاد به آیات قرآن، احادیث، اشعار عربی و ابیات فارسی و گاهی امثال و حکم.

۵- عبارت پردازیهای عربی و جملات دعایی که بسیار مفصل هستند.

۶- رکن مقدمه یا صدرنامه که معمولاً بسیار مفصل و مبسوط آورده میشود.

۷- درهم آمیختن عبارات فارسی و عربی از دیگر ویژگیهای بارز این اثر است که نمونه‌های فراوانی میتوان از این ویژگی برشمرد؛ مانند محرک سلسله یگانگی و وداد؛ دوستی و یک جهتی فیما بین این دو پادشاه.

این عبارات عمدتاً مترادف، در برخی از نامه‌ها به حدی فراوان است که حتی متن را به سمت زبان عربی سوق میدهد و جای بیشتر لغات فارسی را میگیرد؛ مانند اخبار سلامتی آن خان رفیع‌الشأن را به عرض رسانده بعد از استسعاد به ملاقات فایض البرکات به زودی رخصت مراجعت داده (نسخه، ص ۵۰۳).

۸- به کار بردن انواع آرایشهای لفظی مانند سجعهای پی در پی جناسهای مختلف، موازنه و ترصیع و صنایع لفظی و بدیعی تطایع اضافات، ترکیبات وصفی و اضافی متوالی و موارد دیگری که همه دست به دست هم میدهند تا یک مکتوب از حد معمول و عادی بسیار طولانی باشد و منجر به اطناب و اسهاب یک نوشته گردد.

۹- به کار بردن فراوان جملات معترضة که عمدتاً به عربی و گاهی به فارسی است. این جملات معترضة در اشکال مختلفی آورده میشوند مثلاً بیشتر اوقات یک عبارت و یا جمله دعایی و به زبان عربی و برای به اتمام رساندن مکتوب به کار میرفت و این قبیل جملات در پایان بیشتر نامه‌ها به چشم می‌خورد و نامه با آن عبارت دعایی پایان می‌یافت؛ مانند والسلام علی من اتبع الهدی و یا این دعای کوتاه (که به زبان فارسی است) دوستی و یک جهتی

در تضاعف و تزیید باد. گاهی اوقات این جملات معترضه در خلال نامه‌ها و فرامین و بعد از اسامی خاص آورده می‌شد. که به چند نمونه اشاره می‌شود:

ـاخوی ام محمد خان رَفَعَ اللهُ تَعَالَى مَدَارِجَ إِقْبَالِهِ وَ إِجْلَالِهِ
ـسلان بلاغی أَبْقَاهُ اللهُ تَعَالَى إِلَى يَوْمِ الْقَرَارِ
ـوالی قولستان جَعَلَ اللهُ عَوَاقِبَهُ مَقْرُونًا بِالْخَيْرِ وَ الرِّضْوَانِ
ـاحوال خجسته مَال رَفَعْتَ آثَار و الی آخر

بدیع: قبل از بررسی این نسخه از نظر بدیع، ابتدا به یکی از بارزترین مشخصه‌های نثر این نسخه اشاره می‌شود و آن نثر شاعرانه است. افراد زیادی درباره نثر شاعرانه نظر داده‌اند که به نظر برخی اشاره می‌شود: «در نثر شاعرانه حال و هوای نثر (مفاهیمی منطقی و گزارشی و حقایق غیر شعری) است که جامه قافیه (سجع) و صناعات شعری به تن کرده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۲). همانگونه که شعرا با بهره‌گیری از تمامی توان و قدرت هنرآفرینی خود تلاش می‌کنند که اثری زیبا بیافرینند: «نویسندگان نثرهای شاعرانه نیز، منشآت خود را از نازک اندیشیها، صورخیال دل‌انگیز، لطایف ادبی و عناصر و مضامین اغراض شعری آکنده و پربار می‌کنند و در واقع به نثر خود رنگ و بویی از شعر می‌بخشند و آن را به طرزی «شاعرانه» عرضه می‌دارند» (رزمجو، ۱۳۷۴، ص ۲۶۲). بدین شکل که نویسنده با استفاده از صنایع مختلف ادبی و صور گوناگون خیال و بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی متنوع و همچنین بهره‌گیری از تشبیهات زیبا و دل‌انگیز و توصیفات گوناگون و عناصری که باعث ایجاد خیال و احساس می‌شوند، نثر را از حالتی کسل‌آور، خشک و بی‌روح خارج ساخته و با وارد کردن عوامل مختلف شعری، که به آنها اشاره شد، اثری را که به وجود می‌آورند اثری جذاب و زیبا و دلنشین می‌شود. این ویژگی در بسیاری از آثار وجود دارد اما در مکاتبات و مراسلات هم از جهت تأثیرگذاری بر مخاطب و هم از نظر زیبایی نوشتار جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد و به همین دلیل است که نویسنده در بیشتر توصیفات به خوبی نثر شاعرانه را به‌نمایش می‌گذارد. این ویژگی در بسیاری از مکتوبات این نسخه به چشم می‌خورد و نویسنده هم با هدف اینکه قدرت قلم خود را به نمایش بگذارد و هم با نیت تأثیرگذاری بر مخاطب همواره کوشیده است که آنچه مینویسد علاوه بر انتقال مطلب مورد نظر، خوش‌آهنگ و زیبا هم باشد.

از آنجایی که نثر این اثر مصنوع می‌باشد و آرایه‌های ادبی بخش ذاتی این نوع از نثرهاست؛ لذا پراکندگی آرایه‌های ادبی در سراسر یک مکتوب به چشم می‌خورد و مخصوصاً در قسمت آغاز و مقدمه نامه‌ها چشمگیرتر است. علاوه بر آنچه که بیان شد، در این نسخه از صنایع ادبی فراوان، اعم از صنایع لفظی و معنوی بهره گرفته شده است، که برای اینکه متن طولانی نشود و سخن به درازا نکشد، به چند نمونه از پرکاربردترین آنها اشاره می‌شود. **جناس:** یکی از پرکاربردترین آرایه‌های ادبی در نثرهای ادبی، آرایه جناس است. در این اثر از شکل‌های مختلف جناس استفاده شده است که به برخی اشاره می‌شود (به منظور جلوگیری از طولانی‌شدن مطالب از آوردن مثالهای زیاد اجتناب می‌شود).

۱- جناس ناقص:

فرمان فرمای ممالک

ملاطفت نامه نامی و مفاوضات سامی

۲- جناس اشتقاق:

آن صاعد مصاعد جاه و جلال

-چون مکرر مکاتبات ایشان مشتمل بر صلح و صلاح رسید.

۳- جناس شبه اشتقاق:

از بدو ظهور دودمان قدس نشان صفوی الی الان صوفیان صافی نهاد طوایف قزلباش.

سجع: یکی از پرکاربردترین آرایه‌های ادبی است، «چیزی که در نثر فنی عهد صفویه شباهتی به نثر قدیم دارد، یکی سجع است دیگر تکلفات شاعرانه که موجب دشواری فهم و گم‌شدن سر رشته مطلب از دست خواننده میشود و علت این قسم کثرت تملق، تعارف و تکرار مدح و آفرین و اعاده جمله‌های مکرر در این مورد میباشد» (بهار، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۵۸).

در این نسخه به کاربردن سجع اغلب به شیوه‌ای بوده است که بر موسیقی کلام میافزاید و گاهی به گونه‌ای است که حتی در برخی موارد عبارات به نظم نزدیک میشوند و در بیشتر موارد در مقدمه و آغاز نامه‌ها مورد استفاده نویسندگان قرار می‌گرفته است. مثالها:

از جانب بندگان رفیع المکان، منبع الاحسان، عالی حضرت، معلی مرتبت، فلک رفعت، قمر طلعت

از تحفه مجلس آیین و هدیه محفل حرم تزیین ملاطفات نامه نامی و مفاوضات سامی

تضمین مزدوج = ازدواج = اعنات قرینه: و آن هماهنگ کردن دو یا چند جمله به وسیله رعایت قافیه در فعل آخر دو جمله و تقابل انواع سجع در حشو هر جمله است (شمیسا، ۱۳۶۸، ص ۳۱)؛ مانند: در وقت استماع دعاوی و فصل خصومات و امضای حکومات خویش را از اغراض نفسانی و اعراض انسانی خالی گرداند و متابعت حکم شریعت کند و مطاعت هوا و میل طبیعت را مرفوض دارد و راستی و امانت را مرفوض [دارد] (نسخه، ص ۱۰).

تضاد: از جمله آرایه‌های پرکاربرد در این نسخه آرایه تضاد میباشد؛ تضاد یعنی «به کارگیری کلماتی که دارای مفهوم متضادند؛ شبیه مرگ و زندگی، روشنائی و تاریکی، آزادی و اسارت» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، ص ۴۵۳)؛ که به دلیل طولانی‌شدن متن و شواهد فراوان فقط به ذکر چند مورد بسنده میکنیم.

در انصاف و انتصاف میان قوی و ضعیف و وضع و شریف و بعید و قریب تفاوت جایز ندارد.

ترادف: یکی از پرکاربردترین صنایع لفظی به‌کار رفته در این نسخه ترادف است و در بیشتر موارد کلمه همراه با معادل عربی خود آمده است مثالها:

از عجز و انکسار در آمده و از افعال قبیحه گذشته نادم و پشیمان گشت، اختیار بندگی و فرمانبرداری نموده

تنسیق الصفات: از پریسامدترین آرایه‌هایی که در بیشتر نامه‌ها درج شده است و در این نسخه هم فراوان به چشم می‌خورد به‌کار بردن صفات فراوان برای یک موصوف است، که این موارد عمدتاً در مقدمه نامه‌ها هستند؛ مانند موارد ذیل:

عالیجناب والا نصاب وزارت و ایالت قباب حشمت و نصف ایاب ابهت و شوکت انتساب

حسن طلب: یکی دیگر از آرایه‌های بدیع معنوی در ترسل، آرایه حسن طلب است؛ که نویسنده در آن به زیبایی هرچه تمام‌تر درخواستهای خود را به نوعی غیر مستقیم بیان میکند حسن طلب آن است که «شاعر سوال خویش در شعر پیدا نکند» (رادویانی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۷). این گونه خواهشگری و تمنا از آن بابت است که «حالت خفت و خواهش و جنبه تمنا و ذلت سؤال و گدایی از آن سلب شده باشد و طبع طرف سوال را نشاط بخشنده‌گی انگیزد» (همایی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۶).

البته لازم است که خواننده از «الحاح دوری کند و رعایت جانب مخاطب را فرو نگذارد» (گرگانی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶)، این صنعت آنگونه که در کتب بلاغی ذکر شده خاص شعر است اما طرز کاربرد آن در توسل گونه‌ای از به‌کارگیری استادانه این صنعت در فارسی است.

تتابع اضافات: «آوردن کسره‌های متوالی است، خواه در اضافه باشد و خواه در وصف» (همایی، ۱۳۷۶، ص ۲۱) و «برخی از ادبا استعمال تتابع اضافات را بیش از حد مخل فصاحت دانسته‌اند» (رضازاده، ۱۳۷۶، ص ۲۶). تتابع اضافات در زمره اصلی‌ترین مشخصه‌های سبکی متن است که بیشتر در موضع القاب و عناوین و تعارفات استعمال شده است. ترکیبات اضافی که اغلب آنها ترکیبات تشبیهی و استعاره‌ای می‌باشند، نیز درصد عمده‌ای از ترکیبات متن را به خود اختصاص داده‌اند؛ مانند و آن موهبت جسیم را با نعیم جنات کریم شریک و سهم دانسته (۱۲)، قبض و حل و عقد ایادت آن ولایت به یمن عدل شامل و حسن عقل کامل او باز گذاشتیم (۱۷) و الله الطالب الغالب المدرک المهلک (۳۸). در اینجا بخشی از یک مکتوب از سلطان آلب ارسلان در مورد حکومت یک ناحیه به فرزندش آورده می‌شود که به خوبی نشان دهنده به کار بردن وفور آرایه‌های بدیعی است:

«سبیل اعیان و مهتران مشایخ دهاقین و مزارعان و ارباب حرف و سایر طبقات اهالی آن حوالی / احسن الله حیاتهم آنست که فرزند اعز امجد اسعد / بقاه الله فی عمره و من علینا باعلاء امره را مالک ناحیه مذکور دانسته نواب دیوان آن را متصرف آن بقعه شناسند و مردمان و رعایای آن موضع رعایتهم / الله مأمورند بدانکه مطاوعت و متابعت نایبان آن درگاه، گماشتگان آن بارگاه که از غایت اختصاص حکم بندگان خاص دارند به غایت معهود و نهایت امکان برسند و مال معاملت بی فتور و تأخیر و قصور و تقصیر ایشان رسانند و بدین اختصاص که یافتند و بدین سعادت که ایشان را مساعدت کرد و بدین دولت که ایشان را دست داد سجده شکر ربانی به جای آرند و حق اشفاق ما به دعوات صالحه بگذارند و به حکم و مثال امثال نمایند تا مستحق مزید ترفیه و آسایش شوند و / الله / حکم و هو خیر / الحاکمین»

بیان

علاوه بر آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی که به برخی اشاره شد از آرایه‌های مربوط به علم بیان هم در این نسخه استفاده‌های فراوان شده است، به چند نمونه از این آرایه‌ها اشاره می‌شود.

تشبیه: یکی از پرکاربردترین آرایه‌های ادبی در متون فارسی، آرایه تشبیه است که نویسندگان متون ادبی همواره از آن استفاده کرده‌اند و نویسنده این اثر هم از این قاعده مستثنی نیست و هر جا که توانسته کلام خود را با آوردن تشبیه مزین کرده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

— که خواقین زمان از تصور آن در بحر تأسف مستغرق و سلاطین معاصرین در دریای تحیر مستهلک گرداند.
— مثل آن کوکب عالم افروزی از افق دولت طالع و لامع گشته و مثل آن سزاوار تاج و تختی که بر سریر سلطنت دودمان صفوی نشست.

— بعد از غروب آفتاب عمر دولت و انقضای ایام حیات و سلطنت...

نزهد بخش گلستان دولت و اقبال

مجاز: یکی از آرایه‌هایی که در کتب ادبی بسیار مورد توجه است، آرایه مجاز است و نویسنده این اثر هم از این قاعده جدا نیست؛ مانند: به تمام دل در کار دنیا و خدمت مخلوق نهادم (نسخه، ص ۸۲). دل: مجاز از احساس.

استعاره: استعاره، هم همچون تشبیه از آرایه‌های پرکاربرد در متون ادبی است، در علم بیان «استعاره عبارت است از آنکه یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند» (همایی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۳). این استعاره بر دو نوع مصرحه و مکنیه است که در این نسخه و در خلال نامه‌های نوشته‌شده نویسنده از هر دو نوع این آرایه بهره جسته است؛ مانند موارد ذیل:

— خلاصه آل طه و یس، نقاوه اولاد سید المرسلین، ستاره برج سیادت و جوهر سعادت، محیط مرکز ولایت و نقطه دایره هدایت... (نسخه، ص ۸۰) که همگی استعاره از پیامبر اکرم (ص) هستند.

— آن کوکب عالم افروزی که از افق دولت طالع گشته (استعاره مصرحه از مخاطب نویسنده).

- که هنگام وفور نشاط که خسرو سیارگان به عزم جهان‌افروزی در نزهتگاه اقبال نشسته (استعاره مصرحه از خورشید).

- حق تعالی آن نور حدقه سلطنت و جهانداری را از حوادث زمان مَصون داشته (استعاره مصرحه از مخاطب نویسنده که در اینجا پادشاه است).

- جناح امن و امان بر روی ایشان کشد (استعاره مکنیه).

کنایه: علامه‌هایی در تعریف کنایه آورده است: «کنایه در لغت بمعنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح ادبی سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی الزم و ملزوم یکدیگر باشند، پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک بمعنی دور منتقل گردد» (همان: ص ۲۵۵)، مانند عنان تملک و اختیار در دست باشد (نسخه، ص ۲۱)، (کنایه از مهار چیزی را داشتن). از روی وقت نظر بر نقیر و قمطیر دخل و خرج خزینه و مال وقوف و شعور یافتند (نسخه، ص ۸۰)، کنایه از آگاهی کامل حتی بر جزئیات چیزی.

نتیجه‌گیری

نسخه مجمع‌الانشاء از جمله نسخی است که در قرن یازدهم و در دوره صفوی نوشته شده است و آن گونه که نویسنده به صراحت بیان میکند و از محتوای این اثر مشخص است، نگارش این اثر در زمان شاه عباس دوم به اتمام رسیده است. این اثر نفیس، مکاتبات و مراسلاتی از عهد سلجوقی تا زمان شاه عباس دوم را در بر دارد. گردآورنده این مراسلات فردی به نام ابوالقاسم حیدر ابن ایواوغلی است که خود او در زمان برخی از شاهان صفوی مقام و منصب دولتی داشته است؛ مطالب این اثر توسط خود نویسنده در دو بخش کلی طبقه‌بندی شده است؛ بخش اول که شامل مکاتباتی و مراسلاتی مربوط به دوره سلجوقی است که این مکتوبات نظم و ترتیب خاصی ندارد؛ اما بخش دوم که قسمت بیشتر اثر را دربر میگیرد شامل نامه‌هایی از شاهان صفوی است که نویسنده اثر این نامه‌ها را بر اساس شاهان صفوی دسته‌بندی و عنوان‌گذاری کرده است. این اثر هم از حیث فرهنگی کتاب بسیار ارزشمندی است و هم از نظر ادبی دربردارنده اطلاعات مفید و گرانبهایی است.

این نسخه در دوره صفوی نگاشته شده است دوره‌ای که نثر آن ادامه نثر دوره تیموری بوده است و از نظر سبک ادبی این اثر جزء نثرهای مصنوع زبان فارسی به‌شمار می‌آید از آنجا که این نسخه از تعداد زیادی مکتوب تشکیل شده است، اگر از نامه‌هایی که به‌صورت پاسخ به نامه قبل صرف نظر کنیم ترتیب قرارگرفتن آنها هیچ مشخصه خاص و هیچ ارتباط طولی با یکدیگر ندارد و همچنین چون نامه‌ها ارتباط محتوایی با یکدیگر ندارند و بیشتر نامه‌ها محتوای خاص خود را دارند، به همین دلیل ما با یک متن یک‌پارچه محتوایی برای بررسی روبرو نیستیم، پیدا کردن ویژگیهای فکری و مضمون‌های مشترک در بین این مکتوبات سخت و تا حدی ناممکن است اما از نظر ویژگیهای زبانی و ادبی میتوان چنین مواردی را برشمرد: استناد به آیات قرآن و احادیث، در آمیختن عبارات عربی و فارسی، استفاده از ترفات فراوان و لفاظیهای بیش از حد، اطناب و اسهاب و در پاره مواقع آمیختن نظم و نثر و توصیفات تملق آمیز بیش از حد خصوصاً در مقدمه مکتوبات و به‌کار بردن فراوان نکات و صنایع ادبی لفظی و معنایی و مواردی از این دست اشاره کرد؛ ویژگیهایی که بیشتر به کلمه و لغت مربوط هستند نه به معنی و محتوا.

REFERENCES

Qur'an.

Eskandar Beg Torkmān. (1938). *Zayl-e 'Ālam-ārā-ye 'Abbāsi*. Ed. Soheili Khānsāri. Tehran: Ketābforushi-ye Eslāmiyeh.

Bahār, Mohammad-Taqi. (1990). *Sabk-shenāsi*. Tehran: Amir Kabir Publications.

- Rādūyāni, Mohammad b. 'Omar. (1983). *Tarjomān al-Balāgha*. Ed. Ahmad Ātash. Tehran: Asātir, 2nd ed.
- Razmjoo, Hossein. (1995). *Anvā'-e Adabi va Ān dar Zabān-e Fārsi*. Mashhad: Āstān-e Qods-e Razavi, 3rd ed.
- Rezāzādeh Shafaq, Sadeq. (1973). *Tārikh-e Adabiyāt-e Irān*. Tehran: Enteshārāt-e Dāneshgāh-e Pahlavi.
- Zamāni, Ali, & Hāshemi, Firoozeh. (2014). Barrasi va mo'arrefi-ye noskhe-ye khatti-ye Javāher-e Khamsa dar 'aqāyed-e ferqe-ye Shattāriyya. *Majallat-e Sabk-shenāsi-ye Nazm o Nasr-e Fārsi (Bahar-e Adab)*, 7(62), 804–834.
- Shamisa, Sirus. (2000). *Sabk-shenāsi-ye Nasr*. Tehran: Nashr-e Mitra, 4th ed.
- Shafi'i-Kadkani, Mohammad-Reza. (2007). *Musiqi-ye She'r*. Tehran: Agah, 2nd ed.
- Shafi'i-Kadkani, Mohammad-Reza. (2012). *Rastākhiz-e Kalemāt: Dars-goftārḥāyi dar-bāre-ye nazariye-ye adabi-ye suratgarān-e Rus*. Tehran: Sokhan.
- Shafi'i-Kadkani, Mohammad-Reza. (1989). *Negāhi Tazeh be Badi'*. Tehran: Nashr-e Ferdows, 10th ed.
- Sabbāghiyān, Mūsā, et al. (2021). Pazhuheshi dar tarkibāt-e tāze-ye sabk-e Hendi. *Majallat-e Sabk-shenāsi-ye Nazm o Nasr-e Fārsi (Bahar-e Adab)*, 14, 59–69.
- Fasl-nāmeḥ-ye Ganjineh-ye Asnād*. (2006). No. 61, 18–22.
- Qāsem-pur, Hossein, et al. (2021). *Olum va Fonun-e Pāye-ye Yāzdahom*. Tehran: Sherkat-e Chāp va Nashr-e Kotob-e Darsi-ye Iran, 5th ed.
- Gorgāni, Shams al-'Olama. (1998). *Abda' al-Badāye'*. Ed. Hasan Ja'fari. Tabriz: Ahrar-e Tabriz, 1st ed.
- Māyel-Heravi, Najib. (1991). Zarurat-e tashih-e motun. *Keyhān-e Farhangj*, no. 78.
- Moqrebī, Mostafa. (1977). Tarkib dar zabān-e Fārsi. *Sokhan*, no. 26, 422–433.
- Homāyi, Jalāl al-Din. (1997). *Fonun-e Balāghat va Sanāye'-e Adabi*. Tehran: Homā.
- Vali-Qoli ibn Davud Qoli Shāmlu. (1995). *Qesas al-Khāqāni*. Ed. Dr. Seyyed Hasan Sādāt Nāsiri. Tehran: Vezārat-e Farhang va Ershād-e Eslāmi.
- Catalogue of the Persian manuscripts in the British museum. C1 s389. (1897).

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- اسکندر بیک ترکمان. (۱۳۱۷). *ذیل عالم‌آرای عباسی*. به تصحیح سهیلی خوانساری. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۶۹). *سبک‌شناسی*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- رادویانی، محمد بن عمر. (۱۳۶۲). *ترجمان‌البلاغه*. به تصحیح احمد آتش. تهران: اساطیر، چاپ دوم.
- رمزجو، حسین. (۱۳۷۴). *انواع ادبی و آران در زبان فارسی*. مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- رضازاده شفق، صادق. (۱۳۵۲). *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- زمانی، علی و هاشمی، فیروزه. (۱۳۹۳). بررسی و معرفی نسخه خطی جواهر خمسہ در عقاید فرقه شطاریه. *مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، ۷(۶۲)، ۸۳۴–۸۰۴.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). *سبک‌شناسی نثر*. تهران: نشر میترا، چاپ چهارم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه، چاپ دوم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات: درس‌گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌نگران روس*. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). *نگاهی تازه به بدیع*. تهران: نشر فردوس، چاپ دهم.
- صباعیان، موسی و دیگران. (۱۴۰۰). پژوهشی در ترکیبات تازه سبک هندی. *نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)*، ۱۴، ۵۹–۶۹.
- فصلنامه گنجینه اسناد*. (۱۳۸۵). شماره ۶۱، ۲۲–۱۸.

قاسم‌پور، حسین و دیگران. (۱۴۰۰). *علوم و فنون پایه یازدهم*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران، چاپ پنجم.
گرگانی، شمس‌العلماء. (۱۳۷۷). *بدیع/البدیع*. به اهتمام حسن جعفری. تبریز: احرار تبریز، چاپ اول.
مایلهروی، نجیب. (۱۳۷۰). *ضرورت تصحیح متون*. کیهان فرهنگی، شماره ۷۸.
مقرب، مصطفی. (۱۳۵۶). *ترکیب در زبان فارسی*. نشریه سخن، شماره ۲۶، ۴۳۳-۴۲۲.
همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۶). *فنون بلاغت و صنایع ادبی*. تهران: هما.
ولی‌قلی ابن داوودقلی شاملو. (۱۳۷۴). *قصص الخاقانی*. به تصحیح دکتر سید حسن سادات ناصری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Catalogue of the Persian manuscripts in the British museum. C1 s389. (1897).

معرفی نویسندگان

اسلام قادری‌پور: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(Email: islam.ghaderi@enc.uk.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-6115-4722)

علی جهانشاهی افشار: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(Email: a.j.afshar@uk.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0001-7376-9441)

نجمه حسینی سروری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(Email: n.hosseini@uk.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-3866-8036)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Islam Ghaderipour: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

(Email: islam.ghaderi@enc.uk.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-6115-4722)

Ali Jahanshahi Afshar: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

(Email: a.j.afshar@uk.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0001-7376-9441)

Najmeh Hosseini Sarvari: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

(Email: n.hosseini@uk.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-3866-8036)